

فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۸

صفحه ۱۴۱ تا ۱۵۸

بررسی نقش آیت الله العظمی بروجردی نماد مرجعیت عامه در جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران و تبیین چرایی آن

محمدفاضل صدری / دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sadri.mfs@gmail.com

صادق زیبا کلام / استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) zibakalam2@gmail.com

ابوالقاسم طاهری / استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. a_taheri@srbiau.ac.ir

سید ه صفی ابطی / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m_abatahi@srbiau.ac.ir

چکیده

نقش آفرینی روحانیت به عنوان یکی از نیروهای مهم اجتماعی ایران بر حسب موقعیت‌های گوناگون تاریخی اجتماعی و اوضاع سیاسی اجتماعی حاکم متفاوت بوده است. از جمله تحولات سیاسی اجتماعی تاریخ سیاسی معاصر ایران نهضت ملی شدن نفت می‌باشد. پژوهش حاضر با رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی نقش آیت الله بروجردی نماد مرجعیت عامه در این نهضت و ارزیابی دلایل آن می‌پردازد. فرضیه اصلی مقاله آن است که آیت الله بروجردی نماد مرجعیت عامه با توجه به فضای سیاسی اجتماعی حاکم و تجربه تلخ مشروطه، در جریان ملی شدن نفت رویکرد سیاست‌پرهیزی داشته و نتایج تحقیق نشان می‌دهد به واسطه رویکرد خصمانه رضاخان علیه روحانیت و نهادهای دینی و فضای حاکم در عصر پهلوی دوم که رواج مارکسیسم، بهائیت و کسروی‌گری است مرجعیت عامه دغدغه حفظ کیان تشیع را داشته تا ورود به سیاست و با توجه به بدفرجامی مشروطه، در مراحل مختلف نهضت ملی موضع سکوت و احتیاط را اتخاذ کرده است. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای خواهد بود.

کلیدواژه: مرجعیت عامه، آیت الله العظمی بروجردی، حوزه علمیه، ملی شدن نفت، سیاست.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۹/۰۶

مقاله برگرفته از رساله دکترای آقای صدری می‌باشد.

مقدمه

عصر پهلوی بر خلاف عصر صفوی و قاجار، عصر مبارزه با دین و اسلام ستیزی بود. به عبارتی دوران پهلوی اول دوره خصومت شدید علیه روحانیت، نهادهای دینی و تحقیر آن و مبارزه علیه مذهب است. با رفتن رضاخان مهم‌ترین اندیشه روحانیون مسئله احیاء و اصلاح حوزه‌های دینی، حفظ و تقویت حوزه‌های علمیه و تربیت طلاب پاسخگوی نیازهای دینی مردم بود تا امور سیاسی از طرفی عصر پهلوی دوم، عصر رشد و غلبه مارکسیسم، نفوذ بهائیت و کسروی گری در ایران و ایجاد چالش‌های فکری در برابر دین و مذهب است. لذا برنامه اصلی علمای شیعه مبارزه با مارکسیسم، بهائیت و پاسخ به چالش‌های فکری موجود می‌باشد. تجربه تلخ مشروطیت هم بسیاری از علما از جمله آیت الله بروجردی به عنوان شاخص مرجعیت رادر مسائل سیاسی محتاط کرده بود. در همین دوران یکی از مهم‌ترین حرکت‌های بیگانه ستیز در تاریخ سیاسی معاصر ایران یعنی نهضت ملی شدن نفت به وقوع می‌پیوندد. در جریان ملی شدن نفت روحانیت به گروه‌های مختلفی تقسیم و مواضع متفاوتی اتخاذ کردند. اصولاً روحانیت به تناسب موقعیتهای مختلف در موضع کنشگری مستقیم در سیاست و نظارت سیاسی در نوسان بوده است. با سقوط رضاخان و شکل‌گیری فضای باز سیاسی روحانیت به دو دسته تقسیم شدند. اکثریت حوزه علمیه که رویکرد آنها عدم مداخله در سیاست بود که آیت الله بروجردی در راس آن بود. و گروه دوم طرفدار مشارکت سیاسی که آیت الله کاشانی شاخص آن گروه محسوب می‌شد.

در این پژوهش قصد داریم با رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی نقش مرجعیت عامه در جریان ملی شدن نفت و تبیین چرایی آن پردازیم. مفروض اصلی این مقاله آن است که دغدغه اصلی آیت الله بروجردی نماد مرجعیت عامه در این دوران مسئله احیاء، اصلاح و تقویت حوزه‌های دینی و قوام و استحکام امور مذهبی بوده تا امور سیاسی. لذا نفیاً و اثباتاً موضع‌گیری صریحی در جریان ملی شدن نفت از خود نشان نداده است.

چارچوب نظری

قبض و بسط در دیدگاه فقهی روحانیت نسبت به سیاست و نظام سیاسی محصول قرائت‌های حداقلی و حداکثری ارائه شده از سوی فقیهان در خصوص نظام سیاسی مورد نظر شریعت می‌باشد. درنگاه حداقلی فقه شریعت رامقوله‌ای دینی و درمقابل سیاست رامقوله‌ای دنیوی معرفی و تصدی امور کلان جامعه را توسط غیرمعصوم بر نمی‌تابد و ضمن مخالفت با دخالت در امور سیاسی پرداختن به امور عبادی و فردی را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. اینان در زمره فقه

حداقلی ونه نگرش سلبی فقه سیاسی قرار می گیرند (فراتی ۱۳۸۹: ۵۶) درنگاه حداقلی فقه سیاسی در صدمحاسبه وپیش بینی مناسبات سیاسی نیست وتنظیم کننده سیاست وزندگی سیاسی تلقی نمی شودکه نتیجه آن کاهش حضور موثر مرجعیت دینی درزندگی می باشد (میراحمدی ۱۳۹۲: ۹۵-۹۲) این نگاه اعتقادی به برقراری حکومت در عصر غیبت ندارد. مکتب فقهی شیخ مرتضی انصاری در این راستا می باشد. ازدیدگاه داود فیرحی، میرزای شیرازی نیز همانند استاد خود شیخ انصاری از سیاست وقدرت سیاسی پرهیز داشت وورود اوبه جنبش تنباکوفتوی تحریم ازباب ضرورت فتوی فقیه درباب عدم مشروعیت تصرفات دولت درجان ومال مردم بود. واندیشه های آخوند خراسانی نیز اساسا باشیخ انصاری تفاوتی نداشت. حتی حضور رهبران سرشناس شیعه در تحولات مشروطه بر اندیشه های مکتب شیخ انصاری استوار بود که هر چند فقیه ولایت سیاسی ندارد لیکن مرجعیت نقش تعیین کننده در کنترل، نظارت وتعديل سیاست دارد. (فیرحی، پیشین: ۲۵۱-۲۳۷) برخلاف قرائت حداقلی، اندیشه های معطوف به ولایت سیاسی فقیهان که در آثار ملا احمد نراقی وبویژه شیخ محمد حسن صاحب جواهر گسترش یافت ونظریه ولایت عامه فقیهان گستره وسیعی از اختیارات رابرای فقیه به رسمیت شناخته وفقیه جامع الشرایط توانایی اداره نظام سیاسی رادارد که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران قرائتی روزآمد از این نحله در آراء امام خمینی (ره) می باشد وتعمیم ولایت در حوزه سیاست بانظریه ولایت مطلقه فقیه ایشان تبلور یافت (فراتی، پیشین، ۷۱-۶۹ وفیرحی، پیشین: ۲۳۷)

در این پژوهش مواضع آیت ... بروجردی در چهارچوب مکتب فقهی شیخ انصاری ونگاه حداقلی فقه سیاسی تبیین می گردد.

پیشینه پژوهش

نویسندگان زیر در آثار خود بارویکردهای متفاوت به مشی سیاسی آیت ... بروجردی پرداخته اند. رسول جعفریان در کتاب جریانها وسازمانهای مذهبی سیاسی ایران (۱۳۹۲) بارویکرد تاریخی - فرهنگی. عبدالوهاب فراتی در کتاب روحانیت وسیاست (۱۳۹۰) باروش تحلیل سیستمی، نجف لکزایی در کتاب تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۱۳۹۰) از منظر فلسفه تاریخ وبارویکرد اندیشه ای، محمدرحیم عیوضی در کتاب جامعه شناسی سیاسی اپوزیسیون در ایران (۱۳۸۵) بارهیافت جامعه شناسی سیاسی، روح الله حسینیان در کتاب بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۸۴) بارهیافت تاریخی، رحیم روح بخش در مقاله ای تحت عنوان آیت الله بروجردی ودوران ملی شدن نهضت نفت (۱۳۹۲)، حمیدرضا اسماعیلی در کتاب دین و

سیاست اندیشه سیاسی معاصر (۱۳۸۶) با رویکرد تاریخ اندیشه‌های سیاسی و روش تحلیل گذارها و موسی نجفی در گفتگویی تحت عنوان چرا آیت الله بروجردی و امام (ره) در ملی شدن نفت آیت الله کاشانی را همراهی نکردند (۱۳۹۷) به این مقوله پرداخته است.

نهاد مرجعیت و جایگاه آن در تاریخ مذهبی ایران

در تمام دوره تاریخ مذهبی ایران خصوصاً از عصر صفویه به بعد جامعه مذهبی ایران تابعی از مرجعیت دینی بود. و در تصمیم‌گیریهای عمومی جامعه غیر از آنچه که به حکومت مربوط می‌شد، قدرت مرجعیت به ایفای نقش می‌پرداخت. در نیمه دوم قاجار دو سیستم مرجعیت عمومی و محلی پدید آمد بطوریکه سامرا و نجف مرکز مرجعیت عمومی بود و در شهرهای بزرگ ایران و حتی شهرهای کوچک یک یا چند مجتهد تحصیل کرده. نجف در ارتباط با مرجعیت عامه و در قالب مرجعیت محلی به ایفای نقش می‌پرداختند. (جعفریان، ۱۳۹۲: ۳۶)

جایگاه مرجعیت به عنوان پناهگاهی برای مسلمانان و محرومان و همراهی و هماهنگی در زندگی با آنها در کنار هدایت و موضع‌گیری صحیح در حوادث و حفظ کیان تشیع و تربیت شاگردان در خور توجه است (نوری همدانی، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۴).

به عقیده رهگذار در تاریخ معاصر ایران تنها در دستگاه مرجعیت شیعه بود که دین به عنوان محوری‌ترین عنصر نقش‌آفرینی می‌کرد در حالیکه در سایر دستگاهها دال برتر دین نبود. از دوره صفویه دین و خاصه مذهب شیعه از جایگاه والائی برخوردار بوده و آنچنان در مردم نفوذ می‌یابد که از آن پس به عنوان کلیدی‌ترین عنصر هویت ایرانی در همه تحولات مهم اجتماعی سیاسی نقش داشته و مهم‌ترین جریانی که این هویت را نمایندگی میکرد جریان روحانیت شیعه به طلایه داری مرجعیت شیعه بود (رهگذار، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸).

سید احمد خاتمی معتقد است مرجعیت دینی در طول تاریخ تشیع از کیان فرهنگی اسلام تشیع و کیان سیاسی حفاظت کرده است و پاسداری مرجعیت دینی از عرصه فرهنگی در حقیقت زیربنای پاسداری از کیان سیاسی بوده است (میرخلیلی، ۱۳۸۹: ۴۲).

جعفریان در مورد فعالیت مراجع در دوره پهلوی می‌نویسد: دایره فعالیت مراجع تقلید در دوره رضاخان بدلیل محدودیت‌های فراوان دولتی و خارج بودن مرجعیت عامه از ایران بسیار ضعیف بود. مرجعیت ایران در این دوره در نجف مستقر بود اما پس از اینکه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم در قم استقرار یافت زمینه برای ایجاد مرکزیت مرجعیت در ایران فراهم شد. این انتقال روحانیت ایران، انقلاب جدیدی را پدید آورد و حوزه قم بعدها اهرم اصلی رشد افکار دینی در ایران شد (جعفریان، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۹).

آیت الله بروجردی و تجدید حیات روحانیت شیعه و حوزه‌های علمیه

با مرجعیت آیت ا... بروجردی حوزه قم قوامی تازه گرفت. طلاب جوانی که پس از شهریور ۲۰ به قم و نجف آمده بودند به تدریج آموزش دیده و در زمره فضلا در می‌آمدند. وی در حفظ اساس حوزه و تحول در فقه نقش مؤثری داشته و با آمدن ایشان به قم حوزه علمیه نضجی دیگر گرفت بطوریکه بصورت بزرگترین حوزه علمیه شیعه درآمد. تأثیر وجود آیت اله بروجردی موجب رونق سایر حوزه‌های علمیه ایران شد (دوانی، ۱۳۷۷: ۵۶۳).

بدنبال بدفرجامی مشروطیت و یأس حاکم بر علما و انزوای روحانیت شیعه و بحرانی که در دوران رضاشاه حوزه‌های علمیه شیعه را فرا گرفت نیاز به بازسازی مدارس و حوزه‌های علمیه ضروری بود این نقش با حضور آیت اله بروجردی در قم جامه عمل پوشید از این رو نقش وی در تجدید حیات روحانیت شیعه و حوزه‌های علمیه نقشی بنیادین بود. در دوره مرجعیت وی یک حرکت علمی و فرهنگی شکل گرفت و در چارچوب پاسخ به چالش‌های فکری در مقابل دین تلاش‌های مفیدی انجام شد (جمعی از دانشمندان، ۱۳۴۱: ۱).

همت اصلی آیت اله بروجردی متوجه بازسازی حوزه علمیه قم گردید. وی معتقد بود تا زمانی که حوزه بازسازی نشود امکان هیچ گونه دگرگونی در جامعه وجود ندارد. اجرای سیاست اسلام زدائی رضاخان و سخت گیری بر حوزه‌های علمیه و روحانیت موجب کاهش طلاب حوزه شده بود. با آمدن ایشان به قم جمعیت حوزه افزایش و روحانیت عزت و شکوه خاصی پیدا کرد (حسینیان، ۱۳۸۴: ۳۸۷-۳۷۸).

استاد مطهری از او به عنوان مجسمه توکل و اخلاص یاد می‌کند و اینکه به نقل از خود شان، در تمام زندگی تلاش ایشان فقط عمل به وظیفه بود (مختاری، ۱۳۷۵: ۱۳۹۱-۳۹۰).

تحلیل چرایی عدم ورود علما و مراجع به سیاست

به عقیده عیوضی با راه یافتن اندیشه‌های انزواگری در حوزه تفکر روحانیت بسیاری از روحانیون دخالت در امور سیاسی را غیر مشروع می‌دانستند این بخش از روحانیون با اینکه دخالت در سیاست را جزء اسلام دانسته و حکومت را حق فقیه می‌دانستند. لیکن به خاطر فقدان توان تشکیلاتی و نبودن نیروهای هدایت گر دخالت در سیاست را موفق نمی‌دانستند و بیشتر به کادر سازی و تهیه زمینه فرهنگی سیاسی در جامعه می‌پرداختند (عیوضی، ۱۳۹۴: ۷).

طباطبایی معتقد است در بررسی تطبیقی اندیشه و رفتار عالمان دینی توجه به دو عنصر زمان و مکان ضروری است (طباطبائی، ۱۳۸۳: ۴-۵).

جم‌شیدی نیز در این زمینه می‌نویسد میان دخالت دادن عناصر زمان و مکان و قائل شدن به نسبت اخلاق سیاسی تفاوت وجود دارد. اینکه اندیشه‌های سیاسی در واکنش به مقتضیات زمانی و مکانی شکل می‌گیرند بدین معنا نیست که اندیشه سیاسی مشتق از مقتضیات تاریخی است بلکه بدین معناست که اندیشه‌های سیاسی در واکنش به امور تاریخی شکل می‌گیرند و میان آنها و دوران‌های تاریخی تأثیر و تأثر وجود دارد. (جم‌شیدی، ۱۳۸۵، ۲۶۹-۲۶۸)

ره‌دار در تحلیل رفتار عالمان دینی بیان می‌کند شناخت اندیشه و رفتار شخصیت‌های که در معرض رفتارهای تقیه‌ای و ملاحظه‌ای هستند متفاوت از شناخت اندیشه و رفتار شخصیت‌هایی است که دارای اندیشه و رفتارهای صریح و آشکار هستند. مخالفان دینی در مقام زعامت اقوام اعم از رفتارهایی که مربوط به حاکمیت داخلی یا دولت‌های بیگانه می‌شده. ناگزیر از مصلحت‌سنجی‌هایی بودند که احیاناً باعث تغییر رفتار و اندیشه یا باعث سکوت آنها در موضعی می‌شده است که اگر مانعی نمی‌بود در آن مواضع دارای طرح و برنامه بودند.

قرار نیست که همه عالمان به یک اندازه شجاع، عالم سیاسی و مبارز باشند همچنان که همه عالمان مبارز به یک شیوه مبارزه نمی‌کنند یا به یک نتایج مشابه نمی‌رسند. شرایط زمانی و مکانی شیخ انصاری (مرجع تقلید مقیم نجف) با شرایط زمانی و مکانی ملاعلی‌کنی (مجتهد مقیم تهران) متفاوت است هر چند هر دو در مبانی و اصول و در اهداف و غایات یکسان بوده اند. عقلای تاریخ برای تحلیل رفتار افراد میان اندیشه و عمل نوعی رابطه منطقی برقرار می‌کنند اما واقع آن است که این رابطه هر چند وثیق بوده اما منطقی نمی‌باشد عمل، آینه تمام‌نمای اندیشه نیست. اعتقادات ناظر به شرایط مطلوب است در حالیکه اعمال ناظر به شرایط مقدور است لذا برای شناخت اندیشه عالمان دینی علاوه بر رفتارهای تاریخی آنها به فراتر از عمل آنها نیز باید اندیشید (ره‌دار، ۱۳۹۰: ۱۹۵-۱۹۲).

تاریخ کمبریج در باب فعالیت سیاسی علمای از مشروطه می‌نویسد: نتیجه نهائی انقلاب مشروطه برای علما که قابل توجه‌ترین تجربه آنها از مداخله در امور سیاسی تا آنروز بود. بی اعتقادی آنها به مشروطه خواهی و سایر اشکال فعالیت سیاسی وابسته به آن بود هر چند عده‌ای از علماء مستقل همچون مدرس و کاشانی به تلاشهای خود برای اجرای قانون اساسی ادامه دادند اما علماء برجسته بخصوص آنهایی که از منزلت مرجعیت برخوردار بودند با عزم جزم بی طرف ماندند و فعالیت سیاسی آنها به مدت چندین دهه پراکنده و عکس‌العملی بود (آوری و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۷۲).

مشى سياسى آيت اله بروجردى

حامدالگار مشى سياسى آيت اله بروجردى را مخالفت با فعاليت سياسى علما و عدم دخالت در امور سياسى مى داند که نشست ممنوعيت مداخله علمادر سياست در سال ۱۳۲۸ توسط وى در اين راستا بود البته او با اعمال فشار آرام بر دولت به منظور رسيدن به مقاصد محدود مخالف نبود (آورى و ديگران: ۲۹۵-۲۹۳). فراى علت سياست پرهيزى آيت اله بروجردى و علمائى اين دوره را تجربه تلخ مشروطه مى داند و بيان مى کند تجربه تلخ مشروطه بسيارى از علماء من جمله ايشان را در مسائل سياسى محتاط کرده بود. برخى فقها معتقد بودند اصولاً عصر غيبت زمانه تقيه است لذا لازم است از هر گونه تلاش در تاسيس نظام سياسى و اجراء احکام اجتماعى اسلام پرهيز و به زندگى تقيه آميز اکتفا کرد. اين ايده، ايدهاى قدرتمند بود که در متن حوزه هاى علميه ريشه دوانده بود روحانيت شيعه در فرجام مشروطيت و بويژه با قدرت رسيدن رضاخان به انزوا فرو رفت و سياستى ديگر براى ايفائى نقش سياسى خود برگزيد مشى آيت اله حائرى مانع از سياسى شدن حوزه ها بود و در قبال حوادث زمانه موضعى احتياط آميز اخذ مى کرد و همواره پيروان خود را به صبر و سکون و احتراز از هر گونه غوغا و عدم مداخله در امور عرفى و سياسى دعوت مى کرد در اين دوره سياست به امرى بيگانه تبديل شده بود و نوعى بازگشت به فقه پيش از مشروطه بود که نتيجه ناکامى هاى سياسى متعدد پس از مشروطه براى روحانيون بود لذا تاريخ حوزه علميه عصر حائرى و بروجردى سياست پرهيزى بود (فراى، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۰۴).

آيت اله بروجردى در جريان هاى سياسى که روحانيت در آن نقش داشتند بويژه نهضت ملى نفت شرکت نکرد. که معلول تجربه مشروطه و در نتيجه پرهيز از اقدام فوري در وقايع سياسى بود يعنى همان دريافت وى از شرايط تاريخى سياسى و اجتماعى زمان خود که آنرا براى رسيدن به اهداف خود نامطلوب مى دانست (اسماعيلى، ۱۳۸۶: ۲۹۳-۲۹۲).

نجف لک زائى در باب عملکرد آيت اله بروجردى احتياط و سکوت مطلق ايشان در مقابل رژيم و انجام ندادن کارهاى خلاف احتياط را تحليل نادرستى دانسته و بيان مى دارد با توجه به بيانات و موضع گيرى هاى مشخص آيت اله بروجردى مى توان نتيجه گرفت که ايشان در عين اينکه فوق العاده احتياط مى کردند ولى به لحاظ سياسى نيز قوى بودند مثلاً خطاب به نماينده ساواک با صراحت مى فرمايد من عهده دار شريعت و امور مربوط به آن هستم و اگر دولت در اين حوزه وارد شود ساکت نخواهم ماند اما مسائلى مانند اينکه انتخابات مجلس باطل شود يا خير يا دولت به سنتو ملحق گردد يا خير و غيره از امور سياسى است و به من ربطى ندارد. تاريخ

نشان می‌دهد که موضع‌گیری‌های آیت اله بروجردی قدرت مانور بسیار وسیعی به ایشان داد به گونه‌ای که دولت نمی‌توانست به راحتی در حوزه دین وارد شود. آیت ... بروجردی در خصوص مسئله ملی شدن نفت از همین شیوه احتیاط آمیز پیروی کرد. البته ایشان به علما دستور دادند که با این حرکت مخالفت نکنند. این نکات حاکی از آنست که این مرجع بینش و آگاهی سیاسی و وسیعی داشته و به دلیل برخی ملاحظه‌ها از روحانیون می‌خواست که در امور سیاسی دخالت نکنند. وی درباره علت عدم اقدام علیه نظام شاه و سلطنت چنین می‌گوید: لکن چه باید کرد که فشار اجانب در کار است و من بیش از این مصلحت نمی‌دانم که دولت تضعیف گردد زیرا شاه از خودش اختیاری ندارد او تحت فشار دولت‌های بیگانه است (لک زائی، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۵۷).

عیوضی در تبیین م‌شی سیاسی روحانیت در دهه بیست و تحلیل رفتار آیت ... بروجردی بیان می‌کند با سقوط رضاخان روحانیت به دو دسته تقسیم شدند. عده زیادی نمی‌خواستند در سیاست مداخله کنند که اکثریت آنها حوزه علمیه قم را تشکیل می‌دادند و آیت ... بروجردی به عنوان برجسته‌ترین چهره مذهبی این دوره در رأس آنها قرار داشت. عده‌ای دیگر نیز طرفدار فعالیت و مشارکت سیاسی بودند که آیت اله کاشانی در راس آنها بود. دخالت نکردن برخی روحانیون در مسائل سیاسی تا حدی زیادی ناشی از شرایط خاص آن زمان بود زیرا روحانیون که رضاشاه بشدت آنها را سرکوب کرده بود نمی‌خواستند با دخالت در امور سیاسی به رژیم بهانه داده و متحمل صدمات شوند. در این مقطع تبلیغ و گسترش احکام اسلامی از نظر مراجع تقلید وقت در اولویت قرار گرفته بود. بطور کلی عملکرد سیاسی روحانیت در طول سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ یک عملکرد نه چندان قوی و تا حدی منفعل بود. آیت ... بروجردی بیشتر در پی قوام و استحکام بنیادهای شیعه بود. و کمتر به امور سیاسی می‌پرداخت. پس از حادثه ترور شاه عده زیادی روحانی از مجتهدان بزرگ چون آیت ... بروجردی، فیض و خوانساری در قم کنگره‌ای در قطعنامه کنگره مزبور روحانیون از عضویت در احزاب سیاسی و اصولاً شرکت در سیاست منع شدند و تخطی از آن مجازات خلع لباس را در پی داشت (عیوضی، ۱۳۸۵: ۷۰-۶۹).

حامد الگار هم ضمن تایید سیاست پرهیزی آیت ... بروجردی بیان می‌کند ایشان چه قبل از سال ۳۲ و چه بعد از آن گاه گاهی با دربار تماس می‌گرفت تنها موارد فعالیت سیاسی آشکار او یکی در سال ۳۴ در مبارزه با بهائیت و دیگری برنامه تحدید مالکیت ارضی بود که به عنوان اقدام خلاف شرع محکوم کرد. وی در مسائل سیاسی مهمی که در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰

اتفاق افتاد سکوت کامل اختیار کرد. (آوری و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۹۵) لذا این مواضع در راستای قرائت حداقلی صورت پذیرفته است.

روح ... حسینیان در کتاب بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در تبیین مشی سیاسی آیت ... بروجردی معتقد است که آیت ... بروجردی به عنوان یک فقیه و مرجع شیعه به دلیل آموزه‌های اسلامی و خصوصاً شیعی نمی‌توانست از لحاظ مبانی اندیشه فردی غیر سیاسی باشد. البته اندیشه سیاسی همیشه منتهی به عمل سیاسی نمی‌شود چه بسا که افرادی دارای مبانی سیاسی خاصی هستند ولی به دلایل مختلف وارد عمل سیاسی نمی‌شوند. در سر تا سر زندگی آیت ... بارها عمل سیاسی مشاهده شده. شرکت در جلسه تصمیم‌گیری سیاسی مراجع در نجف حمایت از آیت ... قمی در سال ۱۳۲۲، اعلام موضع در قبال مجلس موسسان همگی بیانگر ماهیت سیاسی آیت ... بروجردی است. در بعد عمل سیاسی آیت ... بروجردی دارای رفتار احتیاط‌آمیز هستند و این احتیاط از روی محاسبات بود نه غیر معقول. آیت ... در عمل سیاسی دو مبنا داشت یکی در نظر گرفتن واقعیتها و روشن بودن پایان کار. وی معتقد بود برای بوجود آوردن یک نهضت کادر رهبری و مدیریت و حمایت مردم لازم است. در مورد کادر رهبری آیت ... معتقد بود که حوزه فعلی فاقد آن است (حسینیان، ۱۳۸۴، ۴۰۴-۴۰۲).

در تحلیل علت عدم ورود آیت ... بروجردی منظور الاجداد نیز در کتاب مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست بیان می‌دارد:

آیت ... بروجردی در عرصه سیاست در حدی که لازم تشخیص می‌داد دخالت می‌کرد و محذورات ویژه خویش را داشت و با برخورداری از عمری تجربه و مشاهد در عرصه سیاست محطاط بود و با منش خردگرای خود پیش از اقدام به عمل به عواقب آن می‌اندیشید بویژه که خانه حکومت پهلوی را از پای بست ویران می‌دید و به اصلاحات بسنده نمی‌کرد. او از تجربه دخالت روحانیت در جنبش مشروطه خواهی و مشاهده وضعی که برای مرحوم نائینی پیش آمده سرخورده شده بود. آگاهی حکومت رضاشاهی از گفتگوهای بعمل آمده در اجتماع علمای نجف و دستگیری وی بهنگام ورود به ایران او را به این باور رسانده بود که بین علما وحدت نظر نیست و تا این وحدت تحقق نیابد کاری نمی‌شود کرد.

به گفته آیت ... برقی فقیه، در ذهن ایشان رفته بود که مردم بر عهد و پیمانشان محکم نیستند و کاری از پیش نمی‌رود و احتمالاً مشاهدات وی از نحوه سلوک مردم با روحانیت در دوره رضاشاه چنین باوری را به وی القاء کرده بود. آیت ... بروجردی می‌دید که حتی در حوزه‌ها نمی‌تواند خواست بر حق خود را تحقق بخشد جایی که پرداخت شهریه به طلاب

حوزه نجف را همانند حوزه قم مشروط به شرکت آنان در آزمون ساخته بود که به سبب کثرت مخالفت‌ها با نظر آیت ا...، منتفی گردید. حجت الاسلام فلسفی نیز با بیان اوضاع کشور در دهه بیست تاسی و ترک تازی توده‌ای‌ها به این نتیجه رسیده که روحانیت در آن سال‌ها بین دو بدی مخیر و ناچار بودند لذا به حمایت از قانون اساسی مشروطه که در آن مذهب رسمی شیعه بوده پرداخته خود را مجبور دید در برابر یورش توده‌ای‌ها از شاه و نظام سلطنتی حمایت کند. در چنین شرایطی آیت ا... بروجردی نمی‌توانست با مبارزه جدی و پیگیر با شاه نسبت به تضعیف هر چه بیشتر نظام حکومتی اقدام کند. وی خود زمانی توضیح می‌داد که می‌دانم شعائر اسلامی از سوی شاه و خانواده اش رعایت نمی‌شود، لکن چه باید کرد که فشار اجانب در کار است و من بیش از این مصلحت نمی‌دانم که دولت تضعیف شود زیرا شاه از خودش اختیاری ندارد و تحت فشار دولت‌های بیگانه است و اگر احساس کند که جای پایش در ایران سست است برای حفظ خود تسلیم (بیگانه) می‌شود لذا کوشش ما این است که خیلی احساس ضعف نکنند اگر گاهی مماشات می‌شود به این جهت است. مصالح مملکت و اسلام را به او تذکر می‌دهیم اما جوان است و مغرور (منظور الاجداد، ۱۳۷۹: ۴۲۰-۴۱۶).

به عقیده جعفریان این زمان تکیه اصلی مرجعیت روی تقویت حوزه علمیه و جدی گرفتن در درس و بحث بود. تقویت دین و مذهب در جامعه که پس از یک دوره آسیب شدید در عصر رضاخان اکنون ترمیم یافته و مرجعیت موقعیت بهتری بدست آورده بود در واقع ارتباط مردم متدین با مرجعیت که طی سه چهار دهه با حمایت استبداد تضعیف شده بود برای بار دیگر تقویت شد. آیت ا... بروجردی به تقویت حوزه‌های علمیه شهرستان‌ها پرداخت حمایت از تشیع در برابر اتهامات و انحرافات کاری بود که مرجعیت را بیشتر درگیر مسائل جامعه تشیع کرد. دوانی در خاطراتش در مجله یاد بیان می‌دارد:

می‌توان گفت سیاست پرهیزی محور منش آیت ا... بروجردی و سلفش آیت ا... حائری بود. دلیل آنهم شکست روحانیت در مشروطه بود. آیت ا... بروجردی خودش گفته بود که من در جلسات مشورتی آخوند خراسانی بودم و دیدم که ایشان درباره شیخ فضل ا... اشتباه کرد و ترسم در سیاست آنست که من هم دچار چنان اشتباهی شوم (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۷۹-۲۷۰)

علی دوانی در کتاب نهضت روحانیون ایران می‌نویسد آیت ا... بروجردی مطرح کردند از آن موقع که دیدم مرحوم استاد آخوند و مرحوم نائینی که آن همه زحمت در تأسیس و تداوم کار مشروطه متحمل شده بودند پس از شهادت شیخ فضل ا... و حوادث دیگر ملول و افسرده

شدند حالتی در من پیدا شده که تا یک واقعه سیاسی پیش می‌آید از اقدام فوری حتی الامکان پرهیز می‌کنم که مبدا کاری به زیان مسلمین انجام گیرد (دوانی، ۱۳۷۷، ۵۶۳)

مواضع آیت ا... بروجردی به عنوان نماد مرجعیت عامه در جریان ملی شدن نفت و چرایی آن

بطور کلی گفتمان مذهبی سنتی در ایران از حضور فعالانه در عرصه سیاسی پرهیز می‌کرد و آیت ا... بروجردی به لحاظ سیاسی همچون آیت ا... حائری تمایلی به حضور در سیاست نداشت و لذا در جریان ملی شده نفت آیت ا... کاشانی و فدائیان اسلام هیچگاه از تایید کامل رهبری حوزه برخوردار نشدند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۶۱-۱۵۹) در چرایی شرکت نکردن آیت ا... بروجردی در نهضت ملی نفت و عدم موضع‌گیری در برابر ملی شدن نفت که شاخص مهمی برای سیاسی بودن روحانیون آن دوره محسوب می‌شود. آیت ا... سلطانی طباطبایی به بیان خود ایشان درباره ماجرای ملی شدن صنعت نفت اشاره می‌کند که «من در قضایایی که وارد نباشم و آغاز و پایان آن را ندانم و نتوانم پیش بینی کنم وارد نمی‌شوم این قضیه ملی شدن نفت را نمی‌دانم چیست و چه خواهد شد و آینده در دست چه کسی خواهد بود. البته روحانیت به هیچ وجه نباید با این حرکت مخالفت کند. اگر با این حرکت مردمی مخالفت کند و این حرکت ناکام بماند در تاریخ ایران ضبط می‌شود که روحانیت سبب این کار شد لذا به آقای بهبهانی و علمای تهران نوشتم که مخالفت نکنند.»

وی همچنین بر خلاف میل درباریان اقدام به تحریم رفراندوم انحلال مجلس هفدهم نمود در این مورد نوشته اند که آیت ا... بروجردی شفافاً پیام داده اند که اگر چه با این جریان موافقت ندارند چون رفراندوم امری است سیاسی و انحلال مجلس هفدهم ارتباطی با شرع و اصول دین ندارد، نمی‌توانند در این خصوص اعلامیه‌ای بدهند و شرکت مردم در رفراندوم را تحریم کنند. عدم موضعگیری صریح وی نیز در چارچوب قرائت حداقلی فقه سیاسی و مکتب شیخ انصاری می‌باشد.

زبده کلام اینکه مواضع سیاسی آیت ا... بروجردی برخاسته از شرایط زمان بود. ولی در دوران زمامت خویش اقتدار حوزه علمیه را که طی دوران سلطنت رضاشاه تضعیف شده بود به آن بازگردانده و افزون بر جلوگیری از تعدیات شاه و دولت به کادر سازی پرداخت و با تربیت شاگردانی دانشور و حمایت از بنیاد گرفتن مدارس که افزون بر دانش‌های نوین بتوانند شاگردانی دین باور تربیت کنند به تحقق آن یاری رساند (منظور الاجداد، ۱۳۷۹: ۴۲۴-۴۲۲).

روح... حسینیان در پاسخ به علت عدم موضع گیری صریح آیت... بروجردی در جریان نهضت ملی نفت بیان میکند که آیت... بروجردی معتقد بود که یک نهضت اسلامی به دو نیروی اصلی نیاز دارد مردم و کادر رهبری و لذا معتقد بود در حال حاضر جامعه اسلامی فاقد کادر رهبری است به همین دلیل نیز تمام همت خود را صرف بازسازی حوزه علمیه قم کرد نکته دیگر اینکه آیت... بروجردی شاهد تجربه مشروطه و انحراف آن بوده لذا به عقیده مولف، آیت... بروجردی جبهه ملی و مصدق را باور نداشت و تا آخر نیز بر همین ناباوری ماند.

از طرفی وی معتقد است آیت... بروجردی هیچگاه نهضت ملی شدن نفت را نفی نکرد بلکه به نقل از آیت... سلطانی ایشان فرموده: «روحانیت به هیچ وجه نباید با این حرکت مخالفت کند اگر با این حرکت مردمی مخالفت کند و این حرکت ناکام بماند در تاریخ ایران ضبط می شود که روحانیت سبب این کار شد. لذا به بهبهانی و علمای تهران نوشتم که مخالفت نکنند» (نشست تخصصی روحانیت ۱۳۸۵: ۱۸).

کاتوزیان در کتاب مصدق و مبارزه برای قدرت عدم علاقه آیت... بروجردی به دخالت در سیاست را مورد تایید قرارداد و همچون رویه حاج شیخ عبدالکریم حائری مرجم معروف تقلید قم می داند به نظر وی تصمیم اجلاس بهمن ۱۳۲۷ مجمع علمی قم نسبی بر عدم دخالت علما در سیاست عمدتاً به قصد فاصله گرفتن از رویه آیت... کاشانی و اعلام حمایت از سلطنت و هیات حاکمه سیاسی بوده عدم حمایت آیت... بروجردی از ملی شدن نفت به رغم انتقادات فدائیان اسلام در راستای مواضع هیات حاکمه مذهبی محافظه کار بوده است. وی ابراز می دارد آیت... بروجردی را قطعاً نمی توان رهبر یا مبارزی سیاسی دانست بر خلاف آیت... کاشانی و در قبال دخالت در سیاست آیت... بروجردی و کاشانی دو دیدگاه مختلف سیاسی داشتند نه دو موضع مختلف. آیت... بروجردی آیت... بهبهانی و سایر علمای مذهبی دیگر از جمله آیت... صدر و فیض در مورد نهضت ملی نفت سکوت کردند و تا آخر هم این سکوت را نشکستند البته پس از ترور رزم آرا سایر علما قدم به صحنه گذاشتند (کاتوزیان ۱۳۷۸: ۱۹۷).

کاتوزیان سپس به موضع سکوت آیت... بروجردی در مراحل مختلف نهضت می پردازد و می نویسد:

در جریان قیام تیر ۳۱ و نخست وزیری قوام آیت... بروجردی هیچ اظهار نظر و رسمی نکرد و همچنین در دیماه ۳۱ که بر سر تمدید اختیارات مصدق توسط مجلس بحث هایی شروع

و با حمله علنی کاشانی به نخست وزیر خاتمه یافت نیز آیت... بروجردی و بهبهانی همچنان مهر سکوت بر لب داشتند شاید از این جهت که آنرا اختلافات داخلی در درون صنوف نهضت ملی تلقی می کردند به هنگام اعلام قصد سفر شاه به خارج در ۹ اسفند ۳۱ نیز که کاشانی و بهبهانی در حمایت وی اعلامیه صادر کردند و تظاهرات ضد مصدق راه افتاد قم اعلامیه‌ای صادر نکرد در تیر و مرداد ۳۲ نیز که مصدق رفراندم انحلال مجلس ۱۷ را برپا و موجب حمله کاشانی و بهبهانی به دولت مصدق شد باز هم قم مستقیماً اظهار نظری نکرد فقط پس از بازگشت شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد آیت... بروجردی با ارسال تلگرامی به او خیر مقدم گفت (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۹۴-۱۹۳).

همین نویسنده در کتاب مصدق و نبرد قدرت معتقد است خودداری بروجردی در پشتیبانی ملی شدن نفت حتی در مواجهه با چالش‌ها و شماتت‌های فدائیان اسلام در واقع با سیاست دستگاه سنتی رهبری مذهبی هماهنگی داشت. در هر حال آیت... بروجردی یک رهبر سیاسی و مبارزه جو نبود و در برابر گرایش‌های کاشانی که رادیکالیسم تلقی شده گرایش بروجردی محافظه کارانه بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ۲۹۶).

از دیدگاه رسول جعفریان از آن جایی که آیت... بروجردی هنوز در مرحله‌ای قرار نداشت که سیاست را در متن حوزه وارد کند، نقش وی به عنوان مرجع در حوادث دوران نهضت ملی و قبل و بعد آن (۲۷-۴۰) نقش سیاسی حاشیه‌ای است. (جعفریان، ۱۳۹۲، ۲۷۹) که همان قبض دیدگاه فقهی روحانیت نسبت به سیاست می‌باشد
وی معتقد است در نهضت ملی نفت مراجع محلی درگیر شدند نه مرجعیت مطلقه و عام لذا آیت... بروجردی وارد این ماجرا نشد و ایشان نهایت چیزی که در پاسخ دکتر مصدق نوشتند موفقیت دولت در تقویت اسلام و اصلاح امور کار مسلمین بود (نشست تخصصی روحانیت، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۷).

ابراهامیان مولف کتاب ایران بین دو انقلاب آیت... بروجردی و بهبهانی را از جمله روحانیون مهم و در عین حال محافظه کار در نهضت ملی معرفی می‌کند (ابراهامیان ۱۳۸۳: ۲۵۱).

جان فوران آیت... بروجردی را رهبر روحانیت که در امور سیاسی وارد نشد می‌داند (فوران، ۱۳۸۳: ۵۳۸).

علی موحد معتقد است آیت... بروجردی با روشن بینی و احتیاط در برابر فشاری که برای ورود مرجعیت عامه تشیع در مبارزه با دکتر مصدق وارد می شد مقاومت نمود و از آلودگی در نزاعی که میان شاه و مصدق در گرفته بود احتراز ورزید (موحد، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۵).

تاریخ کمبریج در تحلیل رفتار نیروهای مذهبی در دوران پهلوی در بیان عدم موضع گیری صریح آیت... بروجردی و صرف نگرانی وی بهنگام شکل گیری اختلاف در جبهه ملی در دوره دوم نخست وزیری مصدق و تغییر رویکرد دولت به سمت جناح چپ می نویسد.

بهنگام احساس بیگانگی مصدق با جناح راست جبهه ملی و زمانی که در پی یافتن موثلفانی در میان جناح چپ برآمد این موضع باعث شد که بگونه ای به سمت حزب توده کشیده شود حزبی که ظاهراً مصدق آزادی فعالیتای علنی را به آن ارزانی داشته بود. حمایت حزب توده از مصدق به دشمنانش امکان داد که او را به عنوان آلت دست نیروهای چپ معرفی کنند و کاشانی نیز از بابت اینکه مبدا بخشی از چنین امکانی باشد ناراحت بود. حتی آیت... بروجردی که مرجع تقلید شیعیان و مخالف مداخله روحانیت در سیاست بود نیز از بابت سمت و سوی رویدادها نگران شده بود (آوری و دیگران، ۱۳۷۱: ۹۵-۹۶).

علی رهنما بر این باور است که جهت تبیین عملکرد و موضع گیری های آیت... بروجردی در جریان نهضت ملی نفت باید وقایعی را بازبینی و تصمیمات متخذه وی را بررسی کرد. گاه امر و نهی یا نصیحت و تهدید او مستقیماً بر جریان نهضت ملی اثر می گذاشت. گاه تایید یا تکذیب آیت... بروجردی باعث تقویت نیروهای سیاسی می شد که در کنار یا مقابل نهضت ملی و مصدق قرار می گرفتند و بدین سان غیر مستقیم نفوذ خود را بر جریانات سیاسی اعمال می کرد در بسیاری مواقع آیت... بروجردی در مقابل فشار و جوسازی، سکوتی پر معانی کرده این سکوت از هر نطق و خطابه و مصاحبه و تهدیدی موثرتر بود. موضع گیری ایشان را می توان در دو بخش کلی تقسیم کرد نخست رویدادهایی که به رفتار اخلاق و سلوک روحانیون و تصور ناشی از عملکرد ایشان در میان مومنین مربوط می شد که شأن مرجعیت روحانیت و حوزه علمیه قم بعنوان نماد دین در میان مردم برای بروجردی از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. بخش دوم شامل موضع گیری یا سکوت های معنی دار وی در رابطه با اموری که به سیاست های کلان کشور قوانین با تبعات مشخص دینی، تمامیت ارضی کشور و یا حاکمیت ملی مربوط می شد. دیدگاه اولیه کاشانی در سال های ۲۹-۱۳۲۷ در مورد استقرار حکومت اسلامی که به ائتلاف او و نواب صفوی و فدائیان اسلام انجامید با بینش و روش آیت... بروجردی در این خصوص متفاوت بود مسلک ایت... بروجردی که عالی ترین مقام مذهبی

بود از حب و بغض و قدرت سیاسی اجتماعی مبرابرد نه برنامه‌ای سیاسی داشت که به دنبال اجرای آن باشد و لذا در سر کلاس درس گفته بود من برای رسیدن به مرجعیت یک قدم برداشتم بجز انجام وظیفه مذهبی که به عهده او گذاشته شده یودبه دنبال هدف این جهانی نبود. در طوفان سیاسی نهضت ملی سالم به ساحل رساندن کشتی دیانت و روحانیت که دچار شورش شده بود. مهم‌ترین دغدغه مقام مرجعیت بود که با دور اندیشی مصلحت اندیشی و تدبیر ایت... بروجردی تشیع رسمی مرجعیت و حوزه را سالم از بحران به در برد. در مجموع مواضع آیت... بروجردی در طول نهضت ملی مستمر و برگرفته از یک اصل خدشه ناپذیر بود به عنوان مرجع تقلید شیعیان جهان هدف وی حفظ کیان تشیع و تلاش دراعتلا و عظمت آن بود ایشان از تزلزل در ایمان مردم بیم داشت و از هر عملی که ممکن بود باور دینی مردم را خدشه دار کند احتراز می‌کرد و جهت تحقق اهداف دینی خود می‌بایستی حوزه علمیه قم که مرکز تعلم و تربیت مروجین تشیع بود را از گزند هیاهوی زودگذر سیاسی ایمن نگه دارد تا فعل و انفعالات سیاسی هدف اصلی و معنوی آنرا مخدوش و منحرف نکند. (رهنما، ۱۳۸۴: ۲۷ - ۲۲) رفتارشناسی آیت... بروجردی در این بخش نیز مبتنی بر نگاه حداقلی فقه سیاسی و براساس مکتب شیخ انصاری است.

مواضع آیت... بروجردی در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲

به عقیده رسول جعفریان - مرجعیت شیعه در این دوره با رهبری آیت... بروجردی دامنه نفوذش را با تکیه بر مفاهیم سیاسی مذهبی شیعه در در جامعه گسترش داد. و در جریان نهضت ملی ایت... بروجردی بدلیل هراس از روی کار آمدن کمونیست‌ها توده‌ای در کودتای بی تفاوت ماند و حتی در برابر بازگشت شاه از قدرت که آنرا مانعی بر سر راه بی دینی کمونیست‌ها و حکومت وحشت آنان می‌دید سکوت کرد بعد از آن هم تا مدتی روابط مرجعیت با شاه در حد تذکر و توصیه بود. دلخوشی آیت... بروجردی این بود که شاه سد مستحکمی در برابر کمونیست‌ها است و او را مانع بزرگی برای نفوذ کمونیسم و بی دینی می‌دانست البته در مسائل مذهبی مثل مسائل بهایی‌ها در مملکت به حکومت دستور جدی می‌داد (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۶۹).

نجف پور، سکوت سنگین مراجع قم و محکوم نشدن کودتای ۲۸ مرداد از سوی عالی‌ترین مرجع تقلید آن روزگار یعنی آیت... بروجردی را در را ستای همان دوری جستن علمای تراز اول شیعه از سیاست تلقی می‌کند (نجف پور، ۱۳۸۵). علی دوانی در تبیین تلگرام آیت... بروجردی در پاسخ شاه پس از سرنگونی مصدق مبنی بر ابراز مسرت از خبر سلامت شاه و

امیدواری اصلاح مفاسد ماضیه و عظمت اسلام و آسایش مسلمین بیان می کند که احتمال وقوع کودتای کمونیستی و سرکار آمدن کمونیستها می رفته لذا این تلگرام در پاسخ شاه مطرح شد و لذا آیت ... بروجردی با مقایسه وجود شاه در چارچوب قانون اساسی که می باید دارای دیانت اسلام و مروج مذهب جعفری باشد و روی کار آمدن حزب توده و کنار گذاشتن مصدق مذهبی کاشانی چنین نگرانی را به شاه فرستاده و لذا نتیجه می گیرد ایشان هر جا اقتضایم کرد و تکلیف شرعی خود می دانست وارد عمل می شد و اصولاً از ورود به اوضاع سیاسی جداً پرهیز داشت (دوانی، ۱۳۷۲: ۴۴۲ - ۴۴۰).

دونالد ویلبر مولف کتاب عملیات آژاکس در تبیین عدم موضع گیری آیت ... بروجردی در کودتای ۲۸ مرداد و عدم ورود ایشان به صحنه سیاست بیان می کند. از بررسی معدودی که در باره این موضوع وجود دارد چنین بر می آید که آیت ... العظمی بروجردی با توجه به موقعیت خطریش در مقام مرجعت تقلید شیعیان قصد نداشت به صحنه سیاست و جناح بندیها آن وارد شود بنابراین نمی توان ایشان را با وجود جایگاه جایگاه مذهبی ویژه اش مانند آیت ... کاشانی رهبری سیاسی بشمار آورد. وی پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بارها موضع خود را اعلام کرده بود از جمله هنگام ملاقات با عده ای از بازرگانان بیست و نهم فروردین ۳۲ به آنها گفته بود:

من یک نفر نماینده از طرف دربار و یک نفر از طرف دولت خواستم و با آنها مذاکره کردم دیگر با هیچ کس ملاقات نکرده ام و مانند همیشه به کلی از امور سیاسی برکنار و دور بوده ام. حتی عده ای برای ملاقات با من آمدند ولی من آنها را نپذیرفتم زیرا نمی خواستم در اموری که مربوط به من نیست دخالت کرده باشم. و هنگامی که حسین علا در فروردین ۳۲ با آیت ... بروجردی دیدار و خواستار مشخص شدن موضع او درباره زاهدی شده است اما او باز هم از اعلام موضع خودداری کرده بود.

این موارد دقت و حساسیت عقلانی آیت ... بروجردی را در برهه ای حساس در حیات سیاسی ایران نشان می دهد. از طرفی هیچ سند و مدرکی وجود ندارد که رابطه بین آیت ... بروجردی و کودتاگران را اثبات کند (ویلبر، ۱۳۸۰: ۱۶۶ - ۱۶۴).

سپهر ذبیح نیز در ارزیابی کلی خویش پیرامون رویه سیاسی آیت ... بروجردی مطرح می کند ایشان در دوران مرجعیت تقلید خود هیچگونه فعالیت سیاسی در پیشامدهای دوران مصدق و به قدرت رسیدن مجدد شاه در سال ۱۹۵۳ به عمل نیاورده [به نقل از کتاب ایران در دوره دکتر مصدق . سپهر ذبیح] (ویلبر، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

نتیجه گیری

با مطالعه تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران ملاحظه می‌شود که یکی از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی تأثیرگذار در این تحولات، روحانیت می‌باشد. تبیین نقش و میزان تأثیر گذاری نیروهای اجتماعی بر فرایندهای سیاسی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی سیاسی است. که این پژوهش نیز با رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی به رشته تحریر در آمد. از جمله تحولات تاریخ سیاسی معاصر ایران نهضت ملی شدن نفت می‌باشد که مقاله حاضر به بررسی نقش مرجعیت عامه در این رویداد تاریخی و چرایی آن پرداخت. به دنبال انزوای روحانیت شیعه و محدود شدن دایره فعالیت مراجع تقلید در دوره رضاخان و رویکرد خصمانه‌ای که پهلوی اولیه علیه روحانیت و نهادهای دینی داشت مرجعیت شیعه را بر آن داشت که به دنبال تقویت حوزه‌های علمیه و تمرکز قدرت روحانیت و کادر سازی و تربیت نیرو و حفظ شأن مرجعیت باشد که این نقش با حضور آیت الله بروجردی در قم جامه عمل پوشید و روحانیت شیعه و حوزه‌ای علمیه تجدید حیات یافت. از طرفی با رواج و غلبه مارکسیسم بهائیت و کسروی‌گری در عصر پهلوی دوم مرجعیت عامه شیعه که شاخص آن آیت الله بروجردی بود را بر آن داشت که در پی قوام و استحکام بنیادهای شیعه حفظ کیان تشیع و پاسخ به چالش‌های فکری آن روز باشد تا کنشگری در عرصه سیاسی از سوی دیگر به دنبال بدفرجامی مشروطه و ناکامی‌های سیاسی متعدد پس از آن و تجربه تلخ مشروطه برای بسیاری از علما از جمله آیت الله بروجردی موجب شد مرجعیت عامه در مسائل سیاسی محتاط شده و سکوت اختیار کند و سیاست پرهیز شود لذا در جریان ملی شدن نفت و مراحل مختلف آن همچون تکاپو برای ملی شدن نفت، قیام ۳۰ تیر، تمدید اختیارات دولت مصدق، رفراندوم انحلال مجلس هفدهم و نهایت کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، موضع‌گیری صریحی نفیاً و اثباتاً از ناحیه آیت الله بروجردی نماد مرجعیت عامه صورت نگرفت. بدین سان موضع‌گیری ایشان در تحولات نهضت ملی نفت و ساختار عمومی نظام سیاسی آنروز براندیشه‌ها و نتایج حاصل از مکتب شیخ انصاری و نگاه حداقلی فقه سیاسی بود.

منابع و مأخذ:

- اسماعیلی، حمیدرضا، (۱۳۸۶)، **دین و سیاست در اندیشه‌های سیاسی معاصر**، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی
- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۳)، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز.
- آوری، پیترو گاوین همیلی، (۱۳۷۱)، **سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج**، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۲)، **جریانه‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران**، تهران، نشر علم
- جعفریان، رسول؛ حسینیان، روح‌الله؛ مدنی، سید جلال‌الدین، (۱۳۸۵)، **نشست تخصصی روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت**، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، **روش‌شناسی شناخت اندیشه‌های سیاسی، تهران**، نشر معرفت، ۱۳۸۵.
- جمعی از دانشمندان، (۱۳۴۱)، **بحث در باره مرجعیت و روحانیت**، شرکت سهامی انتشار
- حسینیان، روح‌الله، (۱۳۸۴)، **بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی زاده، سید علی، (۱۳۸۶)، **اسلام سیاسی در ایران**، قم، دانشگاه مفید.
- دوانی، علی، (۱۳۷۲)، **زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی**، مطهر.
- دوانی، علی، (۱۳۷۷)، **نهضت روحانیون ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رهدار، احمد، (۱۳۹۰)، **غرب‌شناسی علماء شیعه در تجربه ایران معاصر**، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- رهنما، علی، (۱۳۸۴)، **نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی**، تهران، گام نو.
- طباطبائی، سید جواد، (۱۳۸۳)، **درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران**، تهران، معرفت.
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۹۴)، **مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست**، نشریه زمانه شماره ۵۷.
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی اپوزسیون در ایران**، تهران، قومس.
- فرازی، عبدالوهاب، (۱۳۹۰)، **روحانیت و سیاست**، تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فرازی، عبدالوهاب، (۱۳۸۹)، **روحانیت و انقلاب اسلامی**، جلد اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فیرحی، داود، (۱۳۸۹)، **دین و دولت در عصر مدرن**، جلد اول، رخداندو
- کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۸)، **مصداق و مبارزه برای قدرت**، ترجمه فرزانه طاهری نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۲)، **مصداق و نبرد قدرت**، ترجمه احمد تدین، موسسه رسا.
- لک زانی، نجف، (۱۳۹۰)، **تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر**، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مختاری، رضا، (۱۳۷۰)، **سیمای فرزاتگان**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- منظور الاجداد، حسین، (۱۳۷۹)، **مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست**، شیرازه.
- موحد، محمدعلی، (۱۳۷۹)، **گفته‌ها و ناگفته‌ها، تحلیلی از گزارش عملیات پنهانی سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲**، نشر کارنامه.
- میرخلیلی، سیدجواد، (۱۳۸۹)، **روحانیت و انقلاب اسلامی**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- میراحمدی، منصور، (۱۳۹۲)، **چالش‌های فقه سیاسی**، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجف پور، مجید، (۱۳۸۵)، **نگاهی به نقش روحانیت مبارز در تاریخ معاصر ایران**، کتابخانه دیجیتال تیان.
- نوری همدانی، حسین، (۱۳۸۳)، **اسلام مجسم علماء بزرگ اسلام**، انتشارات مهدی موعود، جلد اول.
- ویلیز، دونالد نیوتن، (۱۳۸۰)، **عملیات آژاکس**، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، نشر ابرار معاصر تهران.